

## دکتر گری یتس، ارمیا، درس ۱۹، ارمیا ۲۶-۴۵، مروری ساختاری

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در آموزش خود در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۱۹، فصل‌های ۲۶ تا ۴۵، یک مرور ساختاری است.

ما بخش جدیدی از مطالعه خود در مورد کتاب ارمیا را آغاز می‌کنیم و از فصل‌های ۱ تا ۲۵ و پیام‌های داوری و کیفرخواست علیه یهودا که در آنجا یافت می‌شود، به بخش دوم کتاب که در فصل‌های ۲۶ تا ۴۵ یافت می‌شود، می‌رویم.

متوجه می‌شویم که بین این مطالب تفاوتی وجود دارد، زیرا ما در این بخش عمدتاً بیشتر به داستان‌هایی درباره زندگی و خدمت ارمیا و اتفاقاتی که در روزهای پایانی یهودا به عنوان یک ملت رخ می‌دهد، می‌پردازیم. فصل‌های ۱ تا ۲۵ بیشتر نمونه‌ای از پیام‌های داوری او هستند. و باز هم، فکر می‌کنم می‌توانیم فصل‌های ۱ تا ۲۵ را با داستان ارمیا ۳۶ مرتبط کنیم، جایی که خدا به ارمیا دستور می‌دهد، پس از ۲۰ سال موعظه پیام‌هایی را که در کل دوره خدمتش موعظه کرده است، روی طوماری بنویسد.

بدیهی است که ارمیا نمی‌تواند تک تک کلمات را بنویسد یا رونوشتی از هر خطبه‌ای که ایراد کرده است را در اختیار ما قرار دهد، اما فصل‌های ۱ تا ۲۵ احتمالاً بازتابی از شکل ظاهری آن طومار و پیام‌هایی است که ارمیا موعظه کرده است. آنچه در فصل‌های ۲۶ تا ۴۵ داریم، داستان‌ها و روایت‌هایی از چگونگی واکنش مردم به آن پیام است. همانطور که ارمیا این پیام‌ها را موعظه می‌کرد، چه اتفاقی افتاد؟ واکنش مردم به آن چه بود؟ این موضوع در بخش دوم کتاب برای ما شرح داده و شرح داده می‌شود.

تمرکز کتاب ارمیا بر کلام خداست. به نظر من برخی آمارها به انعکاس این موضوع کمک می‌کنند. عبارت خداوند چنین می‌گوید «۱۵۵ بار در کتاب ارمیا آمده است»

عبارت «کلام خداوند بر ارمیا نازل شد» یا «بر من نازل شد» ۲۳ بار تکرار شده است. و توصیف یک عبارت یا بخش یا یک وحی به عنوان اعلام خداوند ۱۶۷ بار تکرار شده است. بنابراین، کلام خداوند در کتاب ارمیا بسیار مهم است.

موضوع این بخش، واکنش یهودا به کلام خداوند است. همچنین، در فصل‌های ۳۷ تا ۴۴، روایتی تاریخی‌تر از وقایع روزهای پایانی یهودا، سقوط اورشلیم در این شهر و سپس پیامدهای آن سقوط در فصل‌های ۴۰ تا ارائه خواهد داد و پیامدهای آنچه را که در نتیجه عدم واکنش یهودا به کلام خدا به شیوه‌ای که خدا، ۴۴، طراحی کرده بود، رخ داد، به ما نشان می‌دهد. بنابراین، کتاب ارمیا درباره‌ی کلام خداست.

این داستان کلام خداست. یادتان باشد اندرو شید این را گفت. و اتفاقی که می‌افتد این است که کلام خدا در دهان پیامبر تبدیل به آتش می‌شود.

نابودی که برای کسانی که کلام را رد می‌کنند، به ارمغان می‌آورد، ویرانی، نابودی ملت یهودا به دلیل ارتداد و بی‌ایمانی آنها، اما سپس قدرت کلام خداوند که قرار است بازسازی و احیا نیز بکند. ارمیا در میان پیامبران بی‌نظیر است به این معنا که داستان‌ها، روایات و گزارش‌های زیادی از وقایع واقعی زندگی پیامبر را به ما ارائه می‌دهد. ما تعداد انگشت‌شماری از این موارد را در برخی از پیامبران دیگر داریم، اما هیچ کتاب نبوی دیگری

به جز کتاب بسیار کوتاه یونس وجود ندارد که به اندازه کتاب ارمیا بر زندگی و وقایع واقعی که در زندگی پیامبر رخ می‌دهد، تمرکز کند.

برای مثال، در کتاب اشعیا، ما روایت‌هایی از زندگی اشعیا داریم که در فصل‌های ششم تا هشتم و فصل‌های ۳۹ تا ۴۵ آمده‌اند. در کتاب ارمیا، ما ۲۰ فصل خواهیم داشت که در درجه اول بر داستان‌های زندگی ارمیا ۳۶ تمرکز خواهند داشت. بنابراین، من از پرداختن به این موضوع هیجان‌زده‌ام.

اینجا داستان‌های خیلی خوبی وجود دارد. بچه‌های من عاشق داستان هستند، و من متوجه شده‌ام که حتی به عنوان یک استاد حوزه علمیه، شاگردانم عاشق داستان هستند.

و بنابراین، من فکر می‌کنم می‌توانیم از این روایت‌ها درس بگیریم. در این بخش، هنر ادبی، بلاغی و الهیاتی فوق‌العاده‌ای وجود دارد. این بخش خاص از کتاب برای من مهم است زیرا چند سال پیش، پایان‌نامه‌ام را در مورد ارمیا ۲۶ تا ۴۵ نوشتم و قطعاً در برابر تمایل به آوردن پایان‌نامه‌ام و خواندن بخش‌هایی از آن مقاومت خواهم کرد، که حتی از سخنرانی‌ام هم خسته‌کننده‌تر خواهد بود.

خب، بیایید کمی به این موضوع بپردازیم. ارمیا ۲۶ تا ۴۵، و آن را به عنوان یک داستان در نظر می‌گیریم، نه فقط در مورد زندگی ارمیا، بلکه در مورد کلام خدا و نحوه واکنش مردم به آن. هدف این بخش از کتاب، ارائه شرح حال زندگی ارمیا نیست.

این به معنای روایت داستان ارمیا به خودی خود نیست، بلکه بیشتر به معنای ارائه یک تأمل الهیاتی در مورد پیامدهای انتخاب‌های مردم است، که در درجه اول گوش ندادن به کلام خدا بود. عبارتی در سراسر این بخش از کتاب ارمیا به چشم می‌خورد. این عبارت بارها و بارها تکرار می‌کند که مردم به پیام ارمیا گوش ندادند یا از آن اطاعت نکردند.

در واقع، وقتی پایان‌نامه‌ام را نوشتم، که عنوان فرعی این بخش است، می‌گفتم که مردم اطاعت نکرده‌اند کلمه عبری گوش دادن یا اطاعت کردن، کلمه شما است. و بنابراین پیامبر بارها خواهد گفت، یا روایات بارها برای ما آشکار خواهند شد، که آنها گوش ندادند، یا اطاعت نکردند.

این عبارت در این آیات آمده است. فصل ۴۰، آیه ۳. فصل ۴۲، آیه ۱۳ و آیه ۲۱. فصل ۴۳، آیه ۷. و سپس فصل ۴۴، آیات ۱۶ و ۲۳.

بنابراین، این عبارت در کل کتاب به کار می‌رود. در فصل ۲۶ و در پایان فصل ۴۴ هم وجود دارد.

و علاوه بر این، بارها و بارها تکرار می‌شود. مردم گوش ندادند. آنها اطاعت نکردند.

با این حال، این ایده چیز جدیدی نیست. چیزی نیست که تازه با رسیدن به فصل ۲۶ با آن آشنا شده باشیم. این مشکلی است که به طور مداوم و مکرر در بخش اول کتاب نیز به آن اشاره شده است.

در مطالعه‌ی ساختار ادبی کتاب ارمیا، یکی از چیزهایی که متوجه شده‌ام این است که بارها در بخش‌های خلاصه، در روایت‌های منثور که به آنها نگاه کرده‌ایم، به عنوان نوعی راهنمای تفسیری برای اشعار و خلاصه‌ای از پیام ارمیا، این موضوع تکرار خواهد شد. مردم به آنچه پیامبر گفته بود گوش ندادند و از آن اطاعت نکردند. و در واقع، آن‌ها مدت‌ها در طول تاریخ خود، قبل از اینکه ارمیا اصلاً به صحنه بیاید، گوش نداده و اطاعت نکرده‌اند.

در خطبه معبد در ارمیا فصل ۷، این موضوع در انتهای پیام مطرح می‌شود. در آیه ۲۳ این فرمان را که به آنها دادم می‌خوانیم: ای شما، صدای مرا اطاعت کنید، و من خدای شما خواهم بود، و شما قوم من خواهید بود و در راهی که به شما فرمان می‌دهم گام بردارید تا برای شما خوب باشد. اما آنها اطاعت نکردند، شما را اطاعت نکردند و گوش خود را فرا نگرفتند.

اما ایشان در سرکشی دل‌های شریر خود، در مشورت‌های خود سلوک کردند و به عقب رفتند و نه به جلو از روزی که پدرانان از سرزمین مصر بیرون آمدند تا به امروز، من پیوسته همه بندگانم، یعنی انبیا، را روز به روز نزد ایشان فرستاده‌ام. اما ایشان به من گوش ندادند و گوش‌هایشان را نگرفتند، بلکه گردنشان را سخت کردند.

آنها از پدرانان بدتر عمل کردند. بنابراین، آنها از کلام خدا اطاعت نکردند. این صرفاً خلاصه‌ای از واکنش مردم به پیام ارمیا نیست.

از بسیاری جهات، این خلاصه‌ای از کل تاریخ قوم اسرائیل و یهودا است. فصل ۱۱، آیات ۷ تا ۱۰، دوباره یک خطبه نثر دیگر در مورد عهد شکسته و نفرین‌های عهد. آیه ۷ این را می‌گوید، من به پدران شما وقتی که آنها را از سرزمین مصر بیرون آوردم، به طور جدی هشدار دادم و حتی تا به امروز نیز به آنها هشدار دادم و گفتم، ای شما، از من اطاعت کنید.

اما ایشان نشنیدند و گوش خود را فرا نداشتند، بلکه هر کس در سرکشی دل شریر خود سلوک نمود. پس من، تمام کلمات این عهد را که به ایشان امر فرموده بودم، بر ایشان آوردم، اما نکردند. همان چیز، همان کلمات، دوباره در یک بخش نثر.

فصل ۱۹، آیه ۱۵، پس از دومین دیدار ارمیا با کوزه‌گر، زمانی که او کوزه را می‌شکند زیرا همه چیز به طرز جبران‌ناپذیری محکوم به فنا است و داوری اجتناب‌ناپذیر است. دلیلش این است. آیه ۱۵ چنین می‌گوید خداوند، خدای لشکرها، خدای اسرائیل، اینک من بر این شهر و بر تمام شهرهایش، تمام بلاهایی را که علیه آن اعلام کرده‌ام، نازل خواهم کرد، زیرا آنها گردن خود را سخت کرده‌اند و از شنیدن سخنان من امتناع ورزیده‌اند.

باشد؟ و بنابراین، فصل ۲۵، که دوباره یک بخش نثر است، خلاصه‌ای است که هر آنچه را که در بخش اول کتاب می‌بینیم، به هم پیوند می‌دهد. و فصل ۲۵، آیات ۳ تا ۹، این را می‌گوید: ۲۳ سال، از سیزدهمین سال یوشیا تا به امروز، کلام خداوند بر من نازل شده است. و من پیوسته با شما سخن گفته‌ام، اما شما گوش نداده‌اید.

شما گوش فرا نداده‌اید و گوش خود را برای شنیدن آماده نکرده‌اید، اگرچه خداوند پیوسته همه بندگان خود، انبیا، را نزد شما فرستاده و گفته است که همه از راه بد خود بازگردید. بنابراین، در طرح ادبی و استراتژی بلاغی کتاب ارمیا، تأکید مداومی بر عدم گوش دادن مردم به کلام خدا وجود دارد. این عبارتی است که در سراسر بخش دوم کتاب تکرار می‌شود.

موضوع همین است. اما در بخش اول کتاب، همانطور که پیام اصلی موعظه می‌شود، همانطور که این متون نثر وجود دارند که می‌خواهند برای ما توضیح دهند و خلاصه کنند که این پیام در مورد چیست، دائماً به همین مسئله برمی‌خوریم. آنها به کلام خدا گوش نداده‌اند.

بنابراین، این برای پیام کتاب ارمیا بسیار مهم است. و نکته‌ی دیگر برای ما این است که به نظر من کتاب ارمیا کتابی نیست که به طور تصادفی سرهم‌بندی شده باشد. ما پیشگویی‌های ارمیا را نمی‌گیریم و آنها را با داستان‌ها کنار هم نمی‌گذاریم.

پشت همه اینها یک طرح بلاغی و تأکید بر نشنیدن کلام خداوند وجود دارد. بنابراین، این به شما کمک خواهد کرد. این شما را راهنمایی می‌کند تا به فکر کردن ادامه دهید و روی موضوع اصلی تمرکز کنید.

این زندگینامه‌ی ارمیا نیست. این تاریخچه‌ای از انکار کلام خداست. حال، نکته‌ی دیگری هم هست که هنگام مطالعه‌ی این داستان متوجه آن خواهید شد.

در حین تلاش برای فهمیدن این بخش از کتاب، مشکلاتی پیش خواهد آمد. در واقع، اگر کتاب ارمیا را بردارید و بخوانید، فکر می‌کنم این یکی از بزرگترین مشکلات شما خواهد بود. در این بخش هیچ ترتیب زمانی واقعی وجود ندارد.

یا به نظر می‌رسد که مدام در حال عقب و جلو رفتن است. گاهی اوقات بین ژانرها در حال عقب و جلو رفتن است. قطعاً به صورت خطی و به ترتیب زمانی خوانده نخواهد شد.

و بنابراین، باز هم، فکر می‌کنم این نشان می‌دهد که قرار نیست شرح حال خدمت ارمیا را از روز اول تا آخر به ما ارائه دهد. داستان به گونه‌ای تنظیم خواهد شد که برای خوانش ما و برای نحوه درک ما متفاوت باشد. اما باز هم، فکر می‌کنم به پیام الهیاتی و طرح الهیاتی این بخش مربوط می‌شود.

خب، حالا بگذارید کمی در این مورد توضیح بدهم. اگر می‌خواستم ارمیا را پیدا کنم، اگر می‌خواستم ارمیا ۲۶- را بخوانم و به ترتیب زمانی توجه کنم، چیزی شبیه به این می‌دیدم. در فصل ۲۶، داستانی از سلطنت ۴۵ یهواییم، ۶۰۹-۵۹۷، روزهای اولیه سلطنت او، داریم.

در فصل‌های ۲۷ تا ۲۹، بلافاصله به دوران سلطنت صدقیا، که از ۵۹۷ تا ۵۸۶ قبل از میلاد سلطنت کرد می‌پریم. و آنها در کنار هم قرار گرفته‌اند. در فصل‌های ۳۰ و ۳۱، پیشگویی‌های شاعرانه‌ای داریم که ترتیب زمانی ندارند.

و ما حتی ژانر روایی را کنار گذاشته‌ایم. در فصل‌های ۳۲ و ۳۳، پیام‌ها و ایزودهای امیدبخشی از زمان صدقیا داریم. و دوباره به نثر بازگشته‌ایم.

این به رویدادی از زندگی صدقیا در فصل ۳۴ منتقل می‌شود که قرار است بیشتر بر داوری تمرکز کند. اما جالب اینجاست که وقتی به فصل‌های ۳۵ و ۳۶ می‌رسیم، به سلطنت یهواییم، ۶۰۹-۵۹۷، برمی‌گردیم. بنابراین، با یهواییم ۲۶ شروع می‌کنیم، برخی مطالب مربوط به صدقیا و برخی پیشگویی‌های شاعرانه ۲۷-۳۴. سپس ۳۵ و ۳۶ را داریم و دوباره به یهواییم برمی‌گردیم، ۳۴.

احتمالاً در فصل‌های ۳۷ تا ۴۴، بیشترین ترتیب زمانی را در این بخش از کتاب داریم. شاید این بخش در ابتدا به عنوان منبع مستقلی وجود داشته باشد. اما ما داستانی با ترتیب زمانی بیشتر از آنچه در روزهای پایانی یهودا اتفاق افتاد، داریم.

ارمیا در زندان، واکنش مردم به کلام خدا، سقوط اورشلیم هنگامی که پادشاه پیام ارمیا را رد می‌کند، و سپس آنچه پس از آن اتفاق می‌افتد. ارمیا پیامبری در میان کسانی است که در آن سرزمین باقی مانده‌اند، و سپس

ارمیا پیامبری در مصر است که در پایان خدمتش توسط افسران نظامی به آنجا برده می‌شود. بنابراین، آن بخش از کتاب، و آن بخش از فصل‌های ۲۶ تا ۴۵، به نظر می‌رسد که نسبتاً به ترتیب زمانی هستند.

اما بعد، آخرین فصل پایانی، فصل ۴۵، در سال چهارم سلطنت یهوایقیم، پیشگویی‌ای که به باروک داده شده، به سال‌های ۶۰۹-۵۸۷، به طور خاص به سال ۶۰۵ قبل از میلاد برمی‌گردد. بنابراین، ما یهوایقیم صدقیاء، یهوایقیم، صدقیاء، سقوط اورشلیم، پیامدهای آن، و سپس بازگشت به سلطنت یهوایقیم را داریم. بدیهی است که این وقایع‌نگاری نیست.

اینجا چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ خوب، باز هم می‌گوییم، هدف از این مطلب این نیست که داستان زندگی ارمیا را به صورت منطقی یا به ترتیب زمانی برای ما تعریف کند. من معتقدم که ترتیب این مطالب، چرخه تکرارشونده نافرمانی و امتناع مردم از شنیدن کلام خداوند را برجسته می‌کند. به یاد داشته باشید، ارمیا دوران خدمت فوق‌العاده طولانی‌ای داشت.

این دوره حداقل چیزی حدود ۴۵ تا ۵۰ سال طول می‌کشد. بنابراین، آنچه من معتقدم در فصل‌های ۲۶ تا در جریان است این است که به یک معنا، می‌توان خدمت ارمیا را به سه دوره زمانی اساسی تقسیم کرد. و ۴۵ آنچه اتفاق می‌افتد این است که وقایع هر سه این دوره‌های زمانی مختلف، گاهی اوقات به روشی غیر از ترتیب زمانی، به هم پیوند می‌خورند، به طوری که می‌توان گفت واکنشی که مردم در ابتدای خدمت ارمیا به او نشان دادند، در واقع تفاوت چندانی با واکنشی که مردم در پایان خدمت او داشتند، ندارد.

و بنابراین، می‌توانیم اولین مرحله از خدمت ارمیا را قبل از سال ۵۹۷ تصور کنیم. زمانی قبل از زمانی که بحران بابل واقعاً جدی می‌شود، موج دوم تبعیدیان از بین می‌رود و پادشاه یهوایکین از تخت سلطنت برکنار می‌شود. ما وقایع این مرحله اولیه از خدمت ارمیا را در فصل‌های ۲۶ و ۳۶ داریم.

ارمیا به آنها هشدار می‌دهد که شما باید توبه کنید، باید راه خود را تغییر دهید، و اگر این کار را انجام دهید، این احتمال وجود دارد که خدا منصرف شود و داوری را نفرستد. باشه؟ بنابراین، در روزهای اولیه خدمت انتخابی وجود دارد که یهودا دارد که بعداً در خدمت ارمیا نخواهد داشت. آنها در واقع می‌توانند در این مرحله توبه کنند، و ممکن است خدا داوری را نفرستد.

اکنون، پس از سال ۵۹۷، زمانی که موج دوم تبعیدیان از بین رفته و نابودی اورشلیم در آینده در سال‌های ۵۸۶ در راه است، آنها دیگر آن انتخاب را ندارند. انتخابی که در آن زمان با آن روبرو هستند، تسلیم ۵۸۷ شدن در برابر بابلی‌ها و نابودی است. ببینید، شما در هر صورت مورد قضاوت قرار خواهید گرفت.

یا می‌توانید تسلیم شوید، یا نابود خواهید شد. اما در مراحل اولیه خدمت ارمیا، آنها فرصت مشروعی برای توبه و اجتناب از داوری دارند. این مانند اولین ملاقات با کوزه‌گر است.

هنوز گل خیسی وجود دارد که می‌توان آن را بدون نیاز به گذر از داوری ویرانگر تبعید، تغییر شکل داد و اصلاح کرد. باشه؟ خوب، این مرحله اول است. خوب، ما وقایعی داریم که برای ما نشان می‌دهد که چگونه آنها کلام خداوند را در مراحل اولیه خدمت ارمیا رد کردند.

به ویژه، یهوایقیم پادشاه به کلام خدا گوش نداد. پس از خطبه ارمیا در معبد، او پیامبری به نام اوریا را اعدام کرد. پس از اینکه طومار ارمیا برایش خوانده شد، آن را تکه تکه کرد و در آتش انداخت.

یهویاقیم به کلام خدا گوش نداد. اما ما همچنین وقایعی را پس از سال ۵۹۷، پس از موج دوم تبعید، اما قبل از سال‌های ۵۸۷، ۵۸۶ و نابودی اورشلیم داریم. و داستان‌هایی از سلطنت صدقیا در ۲۷ و ۲۸، فصل ۲۹ فصل ۳۴، فصل ۳۷ تا ۳۹ داریم که برای ما توصیف و توضیح می‌دهند که صدقیا به کلام خدا گوش نداد.

پیامی که ارمیا به صدقیا موعظه می‌کرد این بود که تسلیم بابل شوید. و اگر شما و افسران نظامی‌تان، اگر تسلیم بابل شوید، اگر تسلیم شوید، آنگاه شما و مقامات و مردمتان می‌توانید از نابودی در امان باشید. اگر تسلیم نشوید، بابلی‌ها همه چیز را نابود خواهند کرد. و این دقیقاً همان چیزی است که اتفاق می‌افتد.

بنابراین، ما این خلاصه از بیانیه را در فصل ۳۷، آیات ۱ و ۲ داریم. صدقیا، پسر یوشیا، که نبوکدنصر پادشاه بابل، او را در سرزمین یهودا به پادشاهی منصوب کرد، به جای کونیا، پسر یهویاقیم، سلطنت کرد. اما نه او، نه بندگانش و نه مردم سرزمین، به سخنان خداوند که از طریق ارمیا نبی گفته شده بود، گوش ندادند. بنابراین، وقایع مربوط به اولین مرحله خدمت ارمیا، در روزگار یهویاقیم، مستقیماً در کنار وقایع مربوط به صدقیا در مرحله دوم خدمت ارمیا قرار گرفته‌اند تا بگوییم، اساساً، ارمیا همان پاسخ را دریافت کرد.

و یهویاقیم و صدقیا به نظر می‌رسید آدم‌های کاملاً متفاوتی باشند. یهویاقیم با خشم و خصومت پاسخ می‌دهد. او هرگز در واقع با ارمیا برخورد فیزیکی ندارد.

اما رد کلام خداوند توسط او در کنار رد کلام خداوند توسط صدقیا قرار می‌گیرد، کسی که دائماً از پیامبر می‌خواهد برایش دعا کند، کسی که دائماً از پیامبر سوال می‌کند. اما می‌دانید چیست؟ مهم نیست. در نهایت، او فاقد شجاعت و ترس برای واقعاً... یا شجاعت و ترس از خداوند برای اطاعت واقعی است.

بنابراین، او واقعاً هیچ تفاوتی با یهویاقیم ندارد. مرحله سوم خدمت ارمیا، زمان پس از سقوط اورشلیم در سال ۵۸۷ است که احتمالاً تا حدود سال ۵۸۰ ادامه دارد. و در ابتدا، ارمیا در سرزمین با مردم می‌ماند.

او قرار است به مردم فقیر آنجا خدمت کند، فکر می‌کنم به شیوه‌ای بسیار خدمتگزارانه، با حضور در آنجا. وقتی می‌توانست، می‌توانست به بابل برود. و او قرار است به موعظه کلام خداوند ادامه دهد.

و ارمیا در واقع از چند فصل اینجا ناپدید می‌شود. اما پیام ارمیا هنوز وجود دارد. و آنچه ارمیا پس از تبعید به مردم می‌گوید، در واقع همان چیزی است که قبل از... تسلیم شدن به بابل به آنها می‌گوید.

به بابلی‌ها خدمت کن، و همه چیز برایت خوب پیش خواهد رفت. صدقیا آن پیام را رد کرده بود. وقتی ارمیا نزد او آمد و گفت: «به بابل تسلیم شو، و می‌توانی خودت و شهر و مقامات را نجات دهی»، مقامات «برگشتند و گفتند»: ارمیا خائن است.

او خیانت و پیوستن به بابلی‌ها را تشویق می‌کند. اما ارمیا از دیدگاه خدا به این موضوع نگاه می‌کرد. بابل ابزار داوری خدا بود.

آنها نتوانستند در برابر آنها مقاومت کنند. بنابراین، در پی تبعید، ارمیا سعی دارد همین را بگوید. ببینید، خدا از بابل به عنوان ابزار داوری استفاده می‌کند.

این حدود ۷۰ سال طول خواهد کشید. و سپس خدا با بابل برخورد خواهد کرد. اما در آن مدت، شما باید تسلیم بابل شوید.

و مردم پس از تبعید، دقیقاً به همان شیوه‌ای که صدقیا عمل کرد، به پیام تسلیم شدن در برابر بابل واکنش نشان خواهند داد. آنها به آنچه پیامبر می‌گوید گوش نخواهند داد. و اسماعیل، این یاغی از خاندان داوود، قرار است جدلیا، فرمانداری که بابلی‌ها منصوب کرده‌اند را به قتل برساند.

و او به پیام پیامبر گوش نخواهد داد و تسلیم بابل نخواهد شد. خب، شما فکر می‌کنید بعد از تمام چیزهایی که مردم یهودا در زندگی و خدمت ارمیا تجربه کرده‌اند، بعد از اینکه او بیش از 20 سال برایشان موعظه کرده است، که داوری قرار است سقوط کند، شهر قرار است نابود شود، بعد از این اتفاق، شما فکر می‌کنید که آنها گوش خواهند داد. شما فکر می‌کنید که آنها به آنچه پیامبر گفته بود پاسخ خواهند داد.

اما آنها همچنان به کلام خدا گوش نمی‌دهند. بنابراین، پس از اینکه اسماعیل، گدالیا را ترور می‌کند و او فرار می‌کند، گروه دیگری به سراغ ارمیا می‌آیند. گروهی از افسران به رهبری مردی به نام یوحانان که چند پناهنده یهودی را از دست اسماعیل نجات می‌دهند، اسماعیلی که سعی دارد به عنوان یک یاغی فرار کند.

و آنها نزد ارمیا می‌آیند و می‌گویند: ارمیا، ما می‌خواهیم برای ما دعا کنی. این جالب است زیرا قبل از سقوط اورشلیم، خدا پیامبر را از دعا کردن برای مردم منع کرده بود، و ارمیا می‌گوید: بله، من با کمال میل برای شما دعا خواهم کرد. زمان داوری به پایان رسیده است.

اما اکنون آنها این فرصت را دارند که پیامبر برایشان دعا کند و پیامبر آنها را راهنمایی کند. و ارمیا می‌گوید: ببینید، من کلام خداوند را به شما خواهم گفت. به من ۱۰ روز فرصت دهید.

و او دعا می‌کند و به دنبال روی خدا می‌گردد. ارمیا در فصل‌های ۴۲ و ۴۳ به یوحانان برمی‌گردد و می‌گوید: ببین، این کلام خدا به توست. تسلیم بابل شو.

از آنها نترسید. با تسلیم شدن در برابر بابل، خداوند را خدمت کنید. می‌بینید، یوحانان و افرادی می‌خواستند به مصر فرار کنند زیرا احساس می‌کردند این راه فرار از انتقام بابلی‌ها به خاطر مرگ جدلیا است.

ارمیا می‌گوید، نه، این چیزی نیست که خدا از شما می‌خواهد. در سرزمین بمانید. تسلیم بابل شوید.

منظورم این است که آیا قبلاً شنیده‌ایم که ارمیا این را به کسی گفته باشد؟ او این را به صدقیا گفت. او این را به اسماعیل و مردم گفت و آنها گوش ندادند. او این را به یوحانان و این گروه نظامی که می‌خواهند به مصر بروند می‌گوید.

و در فصل ۴۳، آیه ۷، آمده است که آنها با نافرمانی از کلام خداوند وارد مصر شدند. و به نظر می‌رسد که آنها ارمیا را ربودند و با خود بردند. بنابراین، هدف این بخش ارائه شرح روزانه از خدمت ارمیا نیست.

حتی لازم نیست که این موضوع را به طور دقیق در یک گاهشمار مشخص کنیم. هدف این است که از همان ابتدای خدمت ارمیا تا پایان خدمت ارمیا، یک چیز وجود داشته که آن را مشخص کرده است: امتناع از گوش دادن به کلام خدا.

و من فکر می‌کنم، به یک معنا، این واقعیت که این به صورت زمانی بیان نشده است، این نکته را مؤثرتر می‌کند. مثل این است که، آیا ما هرگز از این چرخه عبور خواهیم کرد که در آن مردم از شورش علیه کلام خداوند دست بردارند و به آنچه خدا می‌گوید گوش دهند؟ حال، در داستان‌هایی که در این بخش خاص از کتاب ارمیا روایت می‌شود، نافرمانی مردم از خدا، اتهام را به خاطر داشته باشید، آنها به کلام خداوند گوش ندادند، آن نافرمانی اغلب در اشکال مختلف آزار و اذیتی که قرار است بر ارمیا نبی وارد شود، منعکس

می‌شود. بنابراین، ما فقط در ارمیا ۲۶-۴۵ داستان‌هایی از ارمیا نداریم که کلام را موعظه کند و مردم گوش ندهند.

ما در کتاب ارمیا داستان‌هایی داریم که در آن‌ها ارمیا کلام خداوند را موعظه می‌کند، اما مردم گوش نمی‌دهند و سپس آن ناباوری را به خود پیامبر منتقل می‌کنند. ما در حین مطالعه‌ی کتاب، به روش‌های مختلفی اشاره کرده‌ایم که ارمیا نه تنها در سخنانش، بلکه به نظر من در زندگی‌اش، نمایانگر و تجسم‌بخش کلام خدا می‌شود. به یک معنا، او از عیسی به عنوان کلام مجسم خدا پیشی می‌گیرد، زیرا به عنوان پیامبر، او نماینده‌ی زنده‌ی کلام خداست.

معنی‌اش این است که وقتی مردم کلام خدا را نمی‌پذیرند، اغلب به این پیام از طریق توهین به پیامبر پاسخ می‌دهند. بنابراین، این روش دیگری است که فکر می‌کنم واقعاً ارمیا را می‌بینیم، و او یک طومار است. زندگی او پیامی است که به مردم داده شده است، و همانطور که یهویاقیم طومارهای نبوت‌هایش را پاره کرد، مردم سعی خواهند کرد طومار زنده را پاره کنند زیرا نمی‌خواهند آنچه را که او می‌گوید بشنوند و بپذیرند.

آزار و اذیت ارمیا در این کتاب در واقع از فصل ۱۱، آیات ۱۸ تا ۲۳ آغاز می‌شود. و به یاد داشته باشید آنجا جایی است که ارمیا اولین مرثیه خود را می‌خواند. و در آن متن خاص، مردان عناتوت هستند که توطئه می‌کنند تا ارمیا را به قتل برسانند و ارمیا از خدا دعا می‌کند تا از دشمنانش انتقام بگیرد.

خب، نقطه شروع اینجاست. و شاید اینجا ایده‌ای از اینکه اوضاع در روزهای آینده برای ارمیا چگونه خواهد بود، به دست آوریم. مردم زادگاه خودش، در این روستای کوچک و جمع‌وجور، کسانی هستند که در ابتدا می‌خواهند ارمیا را به قتل برسانند.

یک پیامبر جز در زادگاه خود بی‌احترام نیست و ارمیا این را در زندگی خود تجربه خواهد کرد. عیسی نیز این دوران را گذراند. اما بلافاصله، مخالفت‌هایی وجود دارد.

در ندای ارمیا، ارمیا از خدا آموخته بود که تو را مانند دیواری برنزی خواهم ساخت. تو را مانند شهری مستحکم خواهم ساخت. این باید همان موقع به او اطلاع داده می‌شد.

این کار آسانی نخواهد بود. بنابراین، اولین شکل آزار و اذیت در فصل ۱۱ است. در فصل ۲۰، پس از علامتی که در آن ارمیا دیگ را می‌شکند، فصل ۲۰ آیات ۱-۶، کاهنی به نام پاشر، ارمیا را کتک می‌زند و در کنده‌ها قرار می‌دهد.

بسیار خوب، این در واقع مقدمه‌ای است برای انواع مخالفت‌هایی که ارمیا در فصل‌های ۲۶ تا ۴۵ با آنها مواجه خواهد شد. بنابراین، همانطور که این داستان‌ها را می‌خوانید، متوجه خواهید شد که ارمیا انواع و اقسام چیزها را تجربه می‌کند، از جمله اینکه از نظر جسمی مورد تهدید یا آزار و اذیت قرار می‌گیرد، زیرا زندگی او نمایانگر کلام خداست و مردم از این پیام متنفرند؛ آنها نمی‌خواهند آن را بپذیرند. آنها این را در رفتار خود با پیامبر منعکس خواهند کرد.

بسیار خوب، در اینجا چند مثال آورده شده است: یک مرور سریع و یک بررسی سریع. در فصل ۲۶، ارمیا خطبه معبد را ایراد می‌کند.

من معتقدم که ما در اینجا نسخه‌ای جایگزین از پیامی که او در فصل ۷ موعظه کرد، داریم. واکنش فوری رهبران و مردم این بود که این مرد باید بمیرد زیرا علیه خانه خدا پیشگویی کرده است. در فصل‌های ۲۷ و ارمیا در مورد تسخیر اورشلیم موعظه می‌کند و یوغ چوبی را که نماد اسارت مردم در بابل است، به ۲۸،

گردد دارد. او بلافاصله با مخالفت حننیا روبرو می‌شود که می‌آید و یوغ را می‌شکند و می‌گوید ظرف دو سال بحران بابل پایان خواهد یافت.

ارمیا قرار است با مخالفت و مقابله حننیا روبرو شود. در فصل ۲۹، با اینکه ارمیا حتی در آنجا زندگی نمی‌کند، اما انبیای دروغین ساکن بابل با او مخالفت می‌کنند. و ما در فصل‌های ۲۷ تا ۲۹ شاهد این نوع اتفاقات ادبی هستیم که در آن چیزی را می‌بینیم که من آن را انعکاس نبوی می‌نامم.

حننیا از ارمیا تقلید می‌کند. او به نام خداوند سخن می‌گوید. ارمیا به نام خداوند سخن می‌گوید.

ارمیا عمل نشانه را با یوغ انجام می‌دهد. حننیا عمل نشانه را با یوغ انجام می‌دهد. خب، ما همین موضوع را در فصل ۲۹ داریم.

ارمیا نامه‌ای به تبعیدیان می‌فرستد و به آنها می‌گوید که باید در بابل ساکن شوند و زندگی کنند زیرا خداوند مقرر کرده است که تبعید ۷۰ سال طول بکشد. ما یک پیامبر دروغین به نام شمعی داریم که نامه‌ای به سمت دیگر می‌نویسد و می‌گوید که ارمیا باید زندانی و سرزنش شود. بنابراین، یک عمل دیگر از تقلید نبوی وجود دارد.

ارمیا نامه می‌نویسد، شمعی نامه می‌نویسد، بنابراین، انواع مخالفت‌ها وجود خواهد داشت.

فصل ۳۲. ارمیا در روزهای آخر در زندان است و انواع مختلف حبس را تجربه می‌کند. و گاهی اوقات چگونه همه اینها از نظر زمانی با هم جور در می‌آیند؟ یکی از نویسندگان گفته است که ما از یک زندان به زندان دیگر، از یک مکان به مکان دیگر می‌پیوندیم.

و ما همیشه دقیقاً نمی‌دانیم که این مکان‌ها کجا هستند یا چگونه با هم مرتبط می‌شوند. زندان‌ها زمینه‌ساز و بخش زیادی از خدمت ارمیا هستند. فصل ۳۶.

طومار ارمیا در معبد خوانده می‌شود. ارمیا باید پنهان شود. باروک باید پنهان شود.

وقتی طومار را می‌گیرند و برای یهوایقیم می‌خوانند و یهوایقیم چاقویی برمی‌دارد، آن را تکه تکه می‌کند، طومار را تکه تکه به آتش می‌اندازد. اگر یهوایقیم می‌توانست به ارمیا دست پیدا کند، همین کار را با او می‌کرد. فصل ۳۷.

ارمیا به زندان می‌افتد زیرا متهم به آمادگی برای فرار به بابلی‌ها می‌شود. هی، ما می‌دانیم که تو چه خواهی کرد. تو به آن طرف فرار خواهی کرد.

ما تو را به زندان می‌اندازیم تا مطمئن شویم که این اتفاق نمی‌افتد. آدم تعجب می‌کند که چرا او را رها نکردند؟ فصل ۳۸. ارمیا توسط افسران نظامی به داخل یک چاه آب انداخته می‌شود و او را همانجا رها می‌کنند تا بمیرد.

صدقیا با این نظر موافق است زیرا آنها ارمیا را به خائن بودن و تضعیف تلاش‌های جنگی متهم می‌کنند. پس از آنکه یک خارجی به نام آوید-ملک، پادشاه را متقاعد می‌کند که ارمیا را از آب انبار بیرون بیاورد، او را دوباره به زندان می‌اندازند. ارمیا تا زمان تصرف شهر در زندان است و این بابلی‌ها هستند که او را آزاد می‌کنند و اجازه می‌دهند برود.

اما سرانجام در فصل ۴۳، پس از اینکه به یوحانان و افسران نظامی می‌گوید که به مصر نروند، آنها او را برخلاف میلش به زور با خود می‌برند و او قرار است بقیه خدمت خود را در تبعید به عنوان پناهنده در مصر به پایان برساند. وای. ارمیا با همه این چیزها روبرو می‌شود و آنها را تجربه می‌کند.

باز هم، هدف اینجا زندگینامه نیست. هدف این نیست که بگوییم، بگذارید داستانی در مورد مردی که بدترین رنجی را که می‌توانید تصور کنید، متحمل شد، برایتان تعریف کنم. داستان این است که بگوییم، به خصوصیتی که ارمیا هنگام موعظه کلام خدا با آن مواجه شد، نگاه کنید.

بارها و بارها، صحنه‌ای تکراری این است که خدا قرار است با پیامبر با مردم روبرو شود. خدا قرار است با پیامبر از پیامبر به نزد پادشاه برود. خدا قرار است با پیامبر به نزد افسران نظامی برود.

و او بارها و بارها نوعی آزار و اذیت یا مخالفت را تجربه می‌کند. بسیار خوب، ما تأکید کردیم که ساختار و طراحی این بخش از کتاب به ترتیب زمانی نیست. بخش‌هایی وجود دارد که به ترتیب زمانی هستند، از ۳۷ تا ۴۴. اما در کل ساختار به ترتیب زمانی نیست.

اما می‌خواهم فقط یک پیشنهاد احتمالی به شما بدهم. فکر می‌کنم یک ساختار ممکن وجود دارد که به زندگی ارمیا نظم و ترتیب می‌دهد. و در واقع، این ساختار به عنوان راهی برای کمک به ما در تفسیر زندگی ارمیا ایجاد شده است. همانطور که ما این خطبه‌های منثور را در ارمیا ۱ تا ۲۵ داریم که نوعی تابلوی راهنما هستند که پیام ارمیا را خلاصه می‌کنند، من معتقدم که متون ساختاری وجود دارند که نوعی شبکه تفسیری برای ما هستند، زیرا ما این داستان‌های مختلف درباره زندگی و خدمت ارمیا را می‌خوانیم.

و این داستان‌هایی که نوعی از این شبکه تفسیری را ارائه می‌دهند، چیزی هستند که من به آنها چارچوب یهوایقیم می‌گویم. خوب؟ چارچوب یهوایقیم. بگذارید توضیح دهم که این به چه معناست.

همانطور که این داستان‌ها و تمام این روایت‌ها و قسمت‌های مختلف زندگی ارمیا را می‌خواندم، متوجه شدم که فقط چهار فصل وجود دارد که به طور خاص به وقایع دوران سلطنت پادشاه یهوایقیم می‌پردازد. بسیار خوب، یادتان هست او کیست؟ او دشمن اصلی ارمیا است. آنها واقعاً از یکدیگر خوششان نمی‌آید.

و به نظر من، یهوایقیم شاید جدی‌ترین دشمنی با کلام خدا را نشان می‌دهد. او اوربای نبی را به قتل می‌رساند. فصل ۲۶. او طومار پیشگویی‌های ارمیا را پاره می‌کند.

او دستور دستگیری ارمیا و باروک را می‌دهد. منظورم این است که آنها دشمن هستند. بنابراین، چیزی که من معتقدم این است که این چهار داستان درباره یا قسمت‌ها یا پیام‌های مربوط به زمان یهوایقیم، چارچوبی را در اطراف فصل‌های ۲۶ تا ۴۵ فراهم می‌کنند.

این داستان‌ها در اینجا یافت می‌شوند. داستانی وجود دارد که از زمان یهوایقیم، فصل ۲۶، آیه ۱ نقل می‌شود. در فصل ۳۵، آیه ۱، بخش دیگری وجود دارد که عنوان آن به اوایل سلطنت یهوایقیم مربوط می‌شود. همان عبارت در ۲۶.۱ آمده است. یک قسمت دیگر از یهوایقیم در فصل ۳۶، آیه ۱ در سال چهارم یهوایقیم وجود دارد.

و سرانجام، در فصل ۴۵، در انتهای این بخش، دوباره، ۴۵.۱، یک پیشگویی از سال چهارم یهوایقیم. و بنابراین، بدیهی است که می‌بینیم یک داستان از یهوایقیم، فصل ۲۶، در ابتدا وجود دارد. یک پیشگویی از یهوایقیم در فصل ۴۵ در انتها وجود دارد.

و یکی هم در آیات ۳۵ و ۳۶ وجود دارد. بنابراین من معتقدم چیزی که اینجا داریم این است که در میان چیزی که برای ما کمی بی‌نظم و خارج از نظم به نظر می‌رسد، این قاب، ارمیا ۲۶-۴۵ را به دو بخش یا صفحه تقسیم می‌کند که طوری طراحی شده‌اند که هم موازی و هم متضاد با یکدیگر باشند. ما یک صفحه در باب ۲۶ داریم که در باب ۳۵ به پایان می‌رسد.

ما یک پنل دوم داریم که از فصل ۳۶ و فصل ۴۵ شروع می‌شود. حال، به عنوان نویسنده‌گان و آهنگسازان انگلیسی، اگر داستانی درباره زندگی ارمیا می‌نوشتیم، داستان را به این شکل ساختار نمی‌دادیم. اما در یک فرهنگ شفاهی، که اغلب این داستان‌ها به صورت شفاهی خوانده یا گفته می‌شدند، شاید چیزی که اینجا داریم نوعی توازی است که در آن فصل‌های ۲۶ تا ۳۵ به موازات یکدیگر قرار می‌گیرند.

شبهات‌هایی بین این بخش و بخش دوم در فصل‌های ۳۶ تا ۴۵ وجود دارد. علاوه بر این، در فصل‌های ۲۶ تا ۳۵ تضادهایی نیز وجود دارد که هنگام مقایسه آن با فصل‌های ۳۶ تا ۴۵ مهم خواهند بود. ما یک داستان را برمی‌داریم و از ابتدا تا انتها آن را بررسی می‌کنیم.

به نظر من روایت عبری اغلب داستان را در قالب پنل‌ها روایت می‌کند و از توازی و تکرار روایت استفاده می‌کند. من معتقدم که با نگاه به این بخش خاص از کتاب، برخی از اشکال آن را خواهیم دید. خوب، این چارچوب یهویاقیم چه کمکی به درک ما از پیام آیات ۲۶ تا ۴۵ می‌کند؟ خوب، فکر می‌کنم چند نکته مهم را منتقل می‌کند.

اولاً، این به ما یادآوری می‌کند که دوران سلطنت یهویاقیم، لحظه‌ای سرنوشت‌ساز در تاریخ یهودا بود. وقتی این مرد پس از خطبه معبد، کلام خداوند را رد می‌کند، وقتی این پادشاه که رهبر قوم خداست، طومار ارمیا را پاره می‌کند، این یک اقدام قاطع شورش علیه خداوند است. به یک معنا، ما این را به عنوان یک لحظه سرنوشت‌ساز می‌بینیم.

از بسیاری جهات، پایان فرصت‌های توبه در زندگی و سلطنت یهویاقیم زمانی است که یهودا از توبه احتمالی به داوری برگشت‌ناپذیر می‌رسد. بسیار خوب، حالا به یاد داشته باشید که در فصل ۳۶ و فصل ۴۵، زمان خاصی در سلطنت یهویاقیم وجود دارد. ۶۰۵ سالی است که بابلی‌ها مصریان را در کرکمیش شکست دادند.

همچنین سالی بود که اولین موج تبعیدیان به بابل بازگردانده شدند. این یک لحظه تعیین‌کننده است. و بنابراین، من معتقدم که چارچوب یهویاقیم تا حدودی اینجاست تا به ما یادآوری کند که این زمانی که یهودا از توبه احتمالی به داوری برگشت‌ناپذیر و اجتناب‌ناپذیر رسید، چه زمانی بود. من فکر می‌کنم سلطنت یهویاقیم، زمانی که او رسماً علیه کلام خدا، همانطور که در خطبه معبد موعظه شده بود و سپس همانطور که در طومارها نوشته شده بود، شورش کرد، لحظه‌ای تعیین‌کننده است.

بسیار خوب، حالا، برای اینکه به اهمیت این موضوع اضافه کنیم، و فکر می‌کنم برای اینکه بیشتر تأیید کنیم، که نویسنده چگونه این را به عنوان یک لحظه بحرانی به تصویر می‌کشد، به فصل ۲۵، آیه ۱ گوش دهید که به یاد داشته باشید، اولین بخش اصلی کتاب را به پایان می‌رساند. و در ۲۵.۱ می‌گوید، کلامی که در مورد همه مردم یهودا در سال چهارم یهویاقیم، پسر یوشیا، بر ارمیا نازل شد. بنابراین، پیام پایانی که تمام مطالب مربوط به داوری را که در فصل‌های ۱ تا ۲۵ می‌بینیم، جمع‌بندی می‌کند، چه زمانی اتفاق افتاد؟ سال چهارم یهویاقیم.

و در آن متن، خدا اعلام می‌کند که چگونه بابلی‌ها را می‌فرستد و چگونه ۷۰ سال تبعید خواهد بود. این اولین سالی است که تبعیدیان برده می‌شوند، و ارمیا در سال چهارم یهویاقیم شرح می‌دهد که این چه اتفاقی خواهد افتاد. این لحظه‌ای سرنوشت‌ساز در تاریخ یهودا است.

بنابراین، سال چهارم یهوایقیم، بخش اول کتاب، فصل ۲۵، را به پایان می‌رساند و بخش دوم کتاب، فصل ۲۶ را معرفی می‌کند. این بخش دوم کتاب، فصل ۴۵، را به پایان می‌رساند و سپس به آنچه در فصل ۴۶، آیه ۱ در بخش سوم کتاب که به معرفی پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها می‌پردازد، گوش دهید. شرط می‌بندم که نمی‌توانید تصور کنید که چه دوره زمانی قرار است در ۴۶.۱ ذکر شود. اما بخش سوم اینجاست

، کلام خداوند در مورد ملت‌ها بر ارمیا نبی نازل شد. و در مورد مصر در مورد ارتش فرعون نکو، پادشاه مصر که در کنار رودخانه فرات در کرکمیش بود، و نبوکدنصر، پادشاه بابل، که در سال چهارم یهوایقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، آنها را شکست داد، می‌گوید. بنابراین، من معتقدم که چارچوب یهوایقیم این داستان‌ها را از دوره‌های مختلف خدمت و زندگی ارمیا می‌گیرد و چارچوبی را در اطراف آنها قرار می‌دهد تا بگوید، در مورد زندگی یهوایقیم و سلطنت یهوایقیم در زمانی که پادشاه بود و زمانی که کلام خداوند را که به نوعی برای مردم یهودا رنگ ریخته بود، رد کرد، فکر کنید

این آخرین ضربه بود. و در گذشته نیز ضربه‌های دیگری وجود داشت. می‌گاه داوری را اعلام کرده بود و خدا وقتی حزقیا توبه کرد، توبه‌اش را پذیرفت

منسی از تمام پادشاهانی که پیش از او بودند، شرارت بیشتری ورزید. من اورشلیم را مانند بشقابی از خاک پاک خواهم کرد. خدا به واسطه اصلاحات یوشیا، توبه کرد

، اما در مورد یهوایقیم، یک رد نهایی از خدا وجود دارد. رد نهایی خدا، رد نهایی کلام خدا، و رنگ ریخته می‌شود و داوری اتفاق خواهد افتاد. من فکر می‌کنم چارچوب یهوایقیم این نکته را بیان می‌کند. بسیار خوب، حالا وقتی به این دو بخش نگاه می‌کنیم، چارچوب یهوایقیم کار دومی هم برای ما انجام می‌دهد

، به یاد داشته باشید، آیات ۲۶ تا ۴۵ را به فصل‌های ۲۶ تا ۳۵ و سپس ۳۶ تا ۴۵ تقسیم می‌کند. بنابراین بیایید به پنل اول نگاه کنیم. اینجا یک حرکت وجود دارد

در فصل ۲۶، آیه ۳، در ابتدای پنل ۱، دلیل اینکه ارمیا قرار است موعظه معبد خود را اینجا ایراد کند این است که شاید آنها گوش دهند و همه از راه شیطانی خود بازگردند تا من از فاجعه‌ای که قصد داشتم برایشان انجام دهم، پشیمان شوم. این احتمال وجود دارد، اولاً، شاید آنها گوش دهند و من بتوانم پشیمان شوم. بنابراین، در آیه ۲۶ این احتمال وجود دارد که تمام داوری‌هایی که قرار است علیه یهودا اجرا شود، اگر مردم گوش دهند، شاید خدا از فرستادن داوری پشیمان شود

خب؟ خب، اتفاقی که می‌افتد این است که با وجود تمام این مثال‌ها از اینکه چطور گوش ندادند، مشخصاً فرصت را از دست دادند. و در فصل ۳۵، به انتهای پنل ۱ می‌رسیم و این چیزی است که می‌گوید. آیه ۱۵ تا آیه ۱۷

من همه بندگان خود، انبیا، را برای شما فرستاده‌ام و پیوسته به آنها گفته‌ام که اکنون هر یک از شما از راه بد خود بازگردید و اعمال خود را اصلاح کنید و از خدایان دیگر پیروی نکنید و آنها را پرستش نکنید. به یاد داشته باشید، این همان چیزی است که او در آیه ۲۶ می‌گوید. راه‌های خود را تغییر دهید، شاید از داوری رهایی یابید

اما در آیه ۱۷، پاسخ آنها این است. بنابراین، خداوند، خدای لشکرها، خدای اسرائیل چنین می‌گوید: اینک من بر یهودا و بر همه ساکنان اورشلیم تمام بلائی را که علیه آنها گفته‌ام، وارد خواهم آورد، زیرا به آنها گفته‌ام و آنها گوش ندادند. شمه

آنها اطاعت نکردند. من آنها را فراخوانده‌ام، و آنها پاسخ نداده‌اند. بنابراین، در صفحه ۱ از روایات ارمیا در آیات ۲۶ تا ۳۵ چه اتفاقی می‌افتد؟ در این صفحه اول چه اتفاقی می‌افتد؟ آنها فرصتی برای شنیدن دارند، اما در نهایت، آنها گوش نداده‌اند و خدا قرار است آنها را داوری کند.

باشه؟ همین حرکت قراره توی پنل دوم، توی فصل‌های ۳۶ تا ۴۵، منعکس بشه. باشه؟ خب، بریم سراغ پنل دوم. با این جمله معرفی شده.

در سال چهارم یهویا قیم، نوشتن طومار، خب، چرا ارمیا قرار است این کار را انجام دهد؟ آیه ۳. شاید، شاید شاید خاندان یهودا تمام بلایی را که قصد دارم بر سرشان بیاورم، بشنوند تا همه از راه بد خود بازگردند و من گناه و خطایشان را ببخشم.

بنابراین، چهار سال بعد از فصل ۲۶ است؛ شاید آنها توبه کنند، شاید رویگردان شوند و من مجبور نباشم داوری را بفرستم. در ابتدای پنل دوم این احتمال وجود دارد که از داوری در امان بمانند.

خب. این چطور میشه؟ خب، به فصل ۴۴، آیات ۱۶ تا ۱۸، در انتهای پنل دوم میریم. آیا مردم قراره به کلام خدا گوش بدن؟ این پاسخ پناهندگان یهودی در مصر هست، و یادتونه چی گفتن.

آیه ۱۶. اما در مورد کلامی که به نام خداوند به ما گفته‌ای، به تو گوش نخواهیم داد. بلکه هر آنچه را که نذر کرده‌ایم، انجام خواهیم داد و قربانی‌های خود را به این خدایان بت‌پرست تقدیم خواهیم کرد.

هی، ما به حرف تو گوش نمی‌دهیم، ارمیا. بنابراین، همان حرکتی که در پنل اول داریم، در پنل دوم نیز منعکس شده است. این پنل با امکان توبه و رهایی از داوری آغاز می‌شود.

این ماجرا با گوش ندادن مردم به کلام خدا و تجربه عذاب ملی پایان می‌یابد. بنابراین، خداوند در پایان فصل می‌گوید: «من به نام عظیم خود سوگند یاد کرده‌ام، خداوند می‌گوید، که دیگر نام من توسط مردم یهودا ۴۴.» ذکر نخواهد شد. و من نابودی کامل را بر این پناهندگانی که در مصر زندگی می‌کنند، نازل خواهم کرد.

فقط تعداد انگشت‌شماری از آنها به سرزمین خود بازخواهند گشت. خب، در اینجا بحث بر سر این است که چارچوب یهویا قیم چند کار انجام می‌دهد.

اولاً، این به ما زمان یهویا قیم را نشان می‌دهد. آن یک نقطه عطف بود. یک لحظه سرنوشت‌ساز بود.

دوم اینکه، همان کاری را انجام می‌دهد که در نیمه اول کتاب ارمیا دیده‌ایم. فرصتی برای توبه و رهایی وجود داشت، و ما شاهد پایان یافتن آن در فصل‌های ۲۶ تا ۳۵ هستیم. دوباره پایان یافتن آن را در فصل‌های ۳۶ تا ۴۵ می‌بینیم.

و با انجام ندادن این کار به ترتیب زمانی دقیق، بلکه با قرار دادن آن در پنل‌های موازی، می‌توانیم تکرارپذیری آن را ببینیم. درست مثل فصل‌های ۱ تا ۲۵. به یاد داشته باشید که در آنجا چه اتفاقی می‌افتد.

این با دعوت‌های مکرر و مکرر برای بازگشت به سوی خداوند آغاز می‌شود. این دعوت‌های بازگشت به تدریج کاهش یافته و ناپدید می‌شوند. و در میان این، دو ملاقات با کوزه‌گر وجود دارد.

تو هنوز هم می‌توانی تغییر کنی. تو هنوز هم می‌توانی تجدیدنظر کنی. تو هنوز گل خیزی در دست خدا.

در دومین دیدار با کوزه‌گر، شما ظرفی ثابت هستید که قرار است خرد شود. در سراسر کتاب، از بین رفتن فرصت‌های توبه وجود دارد. و بنابراین چارچوب یهویا قیم به ما کمک می‌کند تا این را ببینیم.

در نهایت، یک نکته‌ی دیگر در چارچوب یهویا قیم وجود دارد. در بخش اول از فصل‌های ۲۶ تا ۳۵، وعده‌ی بازگشت در فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ را داریم که به عنوان کتاب تسلی از آن یاد می‌شود. ما آنقدر روی داوری تمرکز کرده‌ایم که واقعاً در مورد آن صحبت نکرده‌ایم.

اما در میان این همه نافرمانی ملی، وعده‌های بازگشت نیز وجود دارد. و با توجه به نافرمانی‌هایی که قبل و بعد از آن رخ می‌دهد، این یک چیز بسیار مهم است. بنابراین، این همان کاری است که خدا قصد دارد پس از تبعید، هنگام بازگرداندن قوم خود، انجام دهد.

با این حال، تضاد بسیار جالبی بین این و آنچه در بخش دوم در فصل‌های ۴۰ تا ۴۳ می‌بینیم، وجود دارد. جایی که پس از تبعید، نافرمانی بیشتر، داوری بیشتر، و خشم بیشتر از جانب خدا به دلیل گوش ندادن مردم وجود دارد. قرار است یک بازگشت (به سوی خدا) رخ دهد، اما در آینده نزدیک ظاهر نخواهد شد. این بازگشت در طول زندگی و دوران ارمیا اتفاق نخواهد افتاد.

قرار است در آینده‌ای دور اتفاقی بیفتد، اما خدا قوم خود را باز خواهد گرداند. ارمیا، فصل‌های ۲۶ تا ۴۵، داستان‌های بسیار خوب و جالبی در مورد موعظه کلام خدا توسط ارمیا و واکنش‌ها و پاسخ‌ها به آن داریم. در تمام دوره‌های زمانی مختلف در خدمت ارمیا، خصومت، طرد، بی‌تفاوتی، آزار و اذیت پیامبر وجود دارد و در نهایت، طرد کلام خدا دلیل داوری نهایی یهودا است.

در کاربرد عملی این موضوع، داستان‌های زندگی ارمیا به من یادآوری می‌کند که چگونه به کلام خدا واکنش نشان می‌دهیم، که مهم‌ترین انتخاب و تصمیمی است که تا به حال گرفته‌ایم. گوش دادن به کلام خدا مسئله‌ی مرگ و زندگی است. کتاب ارمیا درباره‌ی کلام خداوند است.

این قدرت را دارد که مرگ را به ارمغان بیاورد، اما همچنین قدرت زنده کردن را نیز دارد، اما در نهایت، به واکنش ما بستگی دارد. و امیدوارم با مطالعه‌ی این موضوع، شیوه‌های منفی واکنش یهودا به پیام ارمیا و کلام خداوند، یادآوری‌ای برای ما باشد که یافتن زندگی واقعی از گوش دادن به خدا و پاسخ دادن به اطاعت از کلام او و پیامی که او در کلام مکتوب خود به ما منتقل کرده است، به همان روشی که در زمان ارمیا از طریق پیامبر و کلام شفاهی خود با مردم صحبت کرد، حاصل می‌شود.

این دکتر گری یتس در دستورالعمل خود در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۱۹، فصل‌های ۲۶ تا ۴۵، یک مرور کلی ساختاری است.